

از اقتصاد محدود به اقتصاد عام*

یک هگل‌گرایی بی‌قید و شرط

او [هگل] ندانست تا چه حد حق داشته است.

(ژ. باتای)

«هگل اغلب به نظرم بداهت است، اما تاب آوردن بداهت سنگین است»
(*le Coupable*). چرا امروز - همین امروز - بهترین خوانندگان باتای از جمله کسانی هستند که تحمل بداهت هگلی به دیدهٔ آنان چنین آسان و سبک می‌آید؟ چنان سبک که اشاره‌ای زیر لبی به چنین مفاهیم بنیادینی - بهانه‌ای گاه برای پرهیز از تفصیل -، نوعی خوشرویی تعارفی، نوعی نابینایی نسبت به متن، توسل به همدستی نیچه‌ای یا مارکسی برای بازکردن قید و بند هگلی کافی است. شاید به این دلیل که تاب آوردن بداهت بسیار سنگین است و بنابراین ترجیح می‌دهیم در برابر انضباط شانهٔ خود را بالا بیندازیم. و برخلاف تجربهٔ باتای این بی‌خیالی، ندیده و ندانسته، کسی را که غالباً گمان

* De l'économie restreinte à l'économie générale;

Un hegelianisme sans réserve

محدود و غیرمستقیمی به خود متن‌ها داشته است.^۱ این امر مانع نشده است که خوانش و پرسش خود را به جاهای حساس تصمیم‌گیری بکشاند. همه مفاهیم باتای اگر یک به یک و بی‌حرکت بیرون از ترکیب‌شان در نظر گرفته شوند، هگلی‌اند. این را باید تصدیق کرد اما نباید در این جا متوقف شد. زیرا اگر تأثیر نیرومند زلزله‌ای را که او این مفاهیم را تسلیم آن می‌سازد و شکل‌بندی جدیدی را که او این مفاهیم را در آن جابه‌جا و بازنویسی می‌کند، و باین حال به زحمت به آن دست می‌یابد، درک نکنیم به حسب مورد نتیجه خواهیم گرفت که باتای هگلی است، یا ضد-هگلی است، یا هگل را از ریخت انداخته است. هربار به خطا دچار می‌شویم. و از این قانون صوری-که باتای ضرورتاً آن را به شیوه‌ای غیرفلسفی اظهار کرده است-که رابطه همه مفاهیم را به مفاهیم هگل، و از طریق مفاهیم هگل به مفاهیم همه تاریخ متافیزیک مقید کرده است بی‌بهره خواهیم ماند. رابطه همه مفاهیم باتای را و

۱. درباره سرگذشت خوانش هگل توسط باتای، از نخستین مقالات (۱۹۲۹) *Documents* تا (۱۹۴۳) *L'Expérience intérieure*، درباره تجربه آموزش‌های کویره و به‌ویژه کوژو که تأثیرش به‌طور مشهود غالب است ن. ک: *R. Queneau, Premières confrontations avec Hegel, Critique*, 195-196. هم‌اینک متذکر شویم که دست‌کم به دیده باتای هیچ گسست بنیادینی میان خوانش هگل توسط کوژو، که باتای تقریباً به‌طور کامل با آن ابراز موافقت کرده است، و تعالیم حقیقی مارکسیسم پیدا نشده است. باید صحت این نکته را در بیش از یک متن بیازماییم. پیشاپیش بدانیم که ارزیابی هگل‌گرایی توسط باتای، چه مثبت و چه منفی، باید به دیده او دست‌نخورده به ارزیابی‌ای از مارکسیسم ترجمه می‌شد. در کتاب‌شناسی‌ای که باید همراه متن منتشرنشده‌ای به نام *Théorie de la religion* می‌بود به‌ویژه با این سطور روبه‌رو می‌شویم: «این اثر (مقدمه‌ای بر خوانش هگل اثر کوژو) تبیینی از پدیده‌شناسی روح است. ایده‌هایی که در این جا پرورده‌ام در اثر کوژو به‌طور جوهری وجود دارند. باید بر مطابقت‌های تحلیل هگلی و این «نظریه مذهب» نیز تصریح کرد: به نظر می‌رسد تفاوت‌های میان یک بازنمایی با بازنمایی دیگر به‌آسانی قابل تقلیل باشند». «باز هم می‌خواهم در این جا تأکید کنم که تفسیر الکساندر کوژو به‌هیچ‌وجه از مارکسیسم فاصله نمی‌گیرد: همین‌طور آسان می‌توان دید که «نظریه» حاضر همیشه قویاً بر تحلیل اقتصاد تکیه دارد.»